

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۶

## تغییر مواد قانون کار در جهت تشدید چپاول و سرکوب کارگران !

نزدیک به ۳۸ سال از حیات ننگین جمهوری اسلامی، این رژیم حافظ منافع سرمایه داران وابسته می گذرد و در این فاصله روزی نبوده که این رژیم جهت تسهیل چپاول گری های بورژوازی حاکم به ترفند جدیدی علیه کارگران متوسل نشده باشد. یکی از تازه ترین این ترفندها ، تلاش دولت روحانی در جهت تغییر قانون کار می باشد. در حقیقت بورژوازی دندان گرد حاکم با ترفند های رژیم مدافع منافع خود هر بار می کوشد تا سود خود از بابت مکیدن هر چه بیشتر شیره جان کارگران را فزونی بخشد و در همان حال امکانات و قدرت کارگران برای دفاع از حقوق بدیهی خود را محدود و محدودتر سازد. در همین رابطه است که می بینیم مدتی است که دوباره مسئولین دولتی آشکارا از ضرورت اصلاح قانون کار سخن می گویند. دولت در همین راستا لایحه ای هم تحت عنوان "اصلاح قانون کار" تهیه و به مجلس ارائه کرده که در صورت تصویب آن، وضعیت معاش و زندگی کارگران از این هم که هست بدتر و سخت تر و ناامن تر خواهد شد. در عین حال تصویب این لایحه موانع "قانونی" جدیدی در مقابل مبارزات و اعتراضات صنفی آن ها قرار خواهد داد. این امر در شرایطی است که به دلیل اجحافات کارفرمایان ، روزی نیست که شاهد اعتصاب و تجمع اعتراضی تعدادی از کارگران مبارز در سراسر کشور نباشیم.

واقعیت این است که قانون کار فعلی جمهوری اسلامی، قانونی ضدکارگری است که در آن هر جا که امکان داشته حقوق و مطالبات طبقه کارگر لگدمال سرکوب گری جمهوری اسلامی شده است؛ اما با توجه به سابقه تاریخی و شرایط شکل گیری و مبارزات کارگران در زمان تصویب این قانون، موادی از آن پاسخگوی آزمندی های هر چه فزون یابنده تر بورژوازی ایران در شرایط کنونی نمی باشند. به همین دلیل هم در شرایط کنونی که وجود میلیون ها کارگر بی کار قدرت مانور عظیمی برای استثمار هر چه وحشیانه تر نیروی کار را به سرمایه داران زالوصفت داده و آزمندی های باور نکردنی شان صدای اعتراض کارگران را به فریادی که سراسر کشور را درنوردیده تبدیل نموده، احساس نمی کنند که قانون کار فعلی پاسخگوی زیاده خواهی های شان هست.

نباید فراموش کرد که قانون کار کنونی در طول سال ها ، مطابق نیازهای بورژوازی وابسته حاکم ، توسط دولت های مختلف از "محافظه کار" گرفته تا "معتدل" و "اصلاح طلب" و... مورد "اصلاح" و "تعدیل" و "تغییر" و در واقع به نفع سرمایه داران مورد هجوم قرار گرفته بود. تنها به عنوان یک مثال می توان به دوران "اصلاحات" رجوع کرد که همه شاهد بودند که چگونه دولت خاتمی در یک اقدام اصلاح طلبانه و در واقع تبهکارانه با تغییر این قانون ، بخش

بزرگی از کارگران شاغل در واحدهای زیر ۱۰ نفر را اساساً از دایره شمول این قانون خارج کرد. با توجه به چنین تجربه و پیشینه ای است که اکنون بار دیگر مسأله تغییر قانون کار در دستور کار دولت "امید" روحانی قرار گرفته است.

از جمله تغییراتی که بنا به اصلاح قانون کار، قرار است در قانون مزبور ایجاد شود تغییر موادی نظیر ماده ۱۷، ۲۳، ۲۴ و... می باشد. به این صورت که لایحه نویسان دولت با افزودن تبصره هائی به مواد مزبور در تلاشند تا جائی که می توانند دست بورژوازی ایران را در سرکوب و چپاول کارگران باز بگذارند. واقعیتی که حتی با نگاهی گذرا به پیشنهادات ضدکارگری دولت روحانی جهت تغییر قانون کار، خود را به روشنی نشان می دهد.

برای نمونه ماده ۱۷ قانون کار یکی از موادی است که دولت در صدد تغییر آن می باشد. در این ماده آمده است: "قرارداد کارگری که توقیف می گردد و توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نمی شود، در مدت توقیف به حال تعلیق در می آید و کارگر پس از رفع توقیف به کار خود باز می گردد". همان طور که می بینیم بر مبنای ماده ۱۷ قانون کار فعلی، کارگر توقیف شده در صورتی که در دادگاه محکوم نشود، به سر کار باز می گردد و کارفرما هم مجبور است او را پذیرفته و به قرارداد خود با کارگر ادامه بدهد. اما این ماده ای است که از نظر کارفرمایان که این روزها برای سرکوب اعتراضات و مبارزات کارگری از کارگران معترض شکایت کرده و شرایط بازداشت آن ها را فراهم می کنند، دیگر قابل قبول نمی باشد. با نگاهی به اخبار کارگری در این سال ها هر کس فوراً متوجه می شود که تاکنون ده ها کارگر مجبور شده اند برای خلاصی از بازداشت، با گذاشتن قرار وثیقه سنگین، موقتاً از زندان بیرون بیایند و در شرایطی که کارفرما توافقی با بازگشت آن ها به سر کار ندارد، طبق ماده فوق به سر کار خود بازگردند. به همین دلیل هم کارفرمایان وجود ماده ۱۷ را به نوعی سند حمایت از کارگران معترض محسوب کرده و خواهان "اصلاح" آن می باشند. در پاسخ به چنین درخواست کارگرسنیزانه ای است که دولت با افزودن یک تبصره به این ماده در صدد است خواست ضدکارگری کارفرمایان و سرمایه داران را اجابت نماید.

پیشنهاد اصلاحی دولت چنین است که: "چنانچه توقیف کارگر منجر به مجازات سه ماه حبس یا بیشتر شود، کارفرما می تواند قرارداد کار کارگر را با پرداخت حق سنوات به ازای هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق، فسخ نماید. در صورت مجازات کم تر از میزان فوق یا سایر مجازات ها، کارگر بدون دریافت حق السعی به کار سابق باز می گردد."

می بینیم که در اصلاحی که قرار است صورت بگیرد کارگر در صورتی که قرار باشد به سر کار باز گردد اولاً تحت هیچ عنوانی حقوق اش که در این پیشنهاد به "حق السعی" تبدیل شده دیگر به او تعلق نمی گیرد. مهم تر این که کارگری که از او شکایت شده چون عملاً ابزاری برای دفاع از خود ندارد قرارداد کارش در معرض خطر فسخ قرار می گیرد. در واقع این تبصره، برای بررسی قرارداد شغلی کارگر و فسخ آن، منتظر حکم نهائی دادگاه نمی ماند. اگر کارگری سه ماه یا بیشتر در توقیف باشد، پس از بازگشت بی کار است. روشن است که با چنین تغییراتی کارگران هر چه بیشتر در محاصره شرایط برده وار و استثمارگرانه ای قرار می گیرند که حتی بیشتر از گذشته قدرت هر گونه اعتراض - حتی برای دریافت حقوق معوقه - در محیط کار را از آنان می گیرد؛ چرا که چنین اعتراضی آن ها را با خطر شکایت کارفرما مواجه می سازد که معنی آن همانطور که تجربه کارگران نشان می دهد حمایت بی قید و شرط نیروی انتظامی از آنها می باشد.

در این صورت می توان متصور شد که هر گونه اعتراض و اقدام جمعی و یا حتی فردی کارگران برای احقاق حقوق خود در محیط کار مانند اعتصاب و تحصن و تجمع، کارگران را در معرض اخراج و شکایت کارفرما و همچنین زندان

و محاکمه و نهایتاً خطر از دست دادن کار برای همیشه و نابودی معاش خود و خانواده های شان قرار خواهد داد. با تغییر و عملی شدن این به اصطلاح اصلاحات در قانون کار فعلی، چماق سرکوب و ارعاب با استناد به قانون هر چه بیشتر بر سر کارگران ستمدیده و مبارز فرود خواهد آمد.

یکی دیگر از موادی که در قانون کار قرار است اصلاح شود ماده ۲۳ می باشد. ماده ای که بر اساس آن کارفرمایان ملزم به تشکیل پرونده بیمه اجباری برای کارگران شده اند. پیشنهاد های اصلاحی دولت در لایحه مزبور در نظر دارد تا کارگران را خارج از حمایت های سازمان تامین اجتماعی قرار دهد. اگر تا دیروز کارگزاران دولت می کوشیدند منابع و درآمدهای سازمان تامین اجتماعی که بخشی از دسترنج کارگران بود را بالا بکشند حال در پوشش این پیشنهاد می خواهند اساساً کارگران را از شمول چنین بیمه ای خارج سازند. در شرایطی که حتی با وجود این بیمه اکثریت قریب به اتفاق کارگران در فقر و محرومیت و گرسنگی دست و پا می زنند. قطع این حمایت های قطره ای از کارگران، جنایت دیگری ست که حیات و هستی آن ها را هر چه بیش تر در مرداب نیستی غوطه ور خواهد کرد.

پیشنهاد های اصلاحی دولت همچنین شامل ماده ۲۴ هم می شود. بر مبنای این ماده نحوه محاسبه و پرداخت سنوات پایان کار کارگران مشخص شده است. اما تبصره های پیشنهادی دولت روحانی در نظر دارند محدودیت های جدیدی در خصوص حق دسترسی کارگران به مزایای قانونی سنوات پایان کار ایجاد کنند. بر اساس این اصلاحات، کارفرمایان موظفند حق سنوات کارگران دارای قرارداد موقت یا غیرموقت (دائم) را به حساب های سپرده بلندمدت که نزد بانک ها یا مؤسسات مالی و اعتباری مورد تأیید شورای عالی کار به نام کارگر افتتاح می شود واریز کنند. اما نکته جالب این اصلاح این است که کارگر جز در موارد پیش بینی شده در آئین نامه اجرائی این ماده و صرفاً در زمان بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی، مجاز به برداشت از این حساب نخواهد بود. یعنی عملاً کارگر از برداشت دسترنج خود در هر زمان که خود به آن احتیاج داشته باشد محروم خواهد شد. به این ترتیب مسأله سنوات کار کارگران هم به ضرر آن ها تغییر می کند. به خصوص که بر اساس این پیشنهاد قرار است آئین نامه اجرائی این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برسد.

از سوی دیگر اگر به مبارزات طبقه کارگر در سال های اخیر توجه کنیم فوراً متوجه می شویم که تلاش طبقه حاکم برای ایجاد این تغییرات در قانون کار فعلی در شرایطی است که کارگران در مبارزات صنفی خود با استناد به همین مواد قانون موجود است که کوشش می کنند ناحقی ها را افشاء و مطالبات خود را فریاد بزنند. درست چنین واقعیت هائی است که ضرورت تغییر قانون کار را در مقابل بورژوازی دندان گرد حاکم قرار داده است. برای نمونه با این که ما در محیط های کارگری شاهدیم که کارفرمایان دست دسته کارگران را اخراج می کنند، اما در مواقعی هم کارگران می کوشند با استفاده از تمام روزه های موجود درصدد دادخواهی برآیند. در چنین پروسه ای است که در واقعیت گاهی پس از شکایت کارگر به اداره کار از آن جا که اجحاف کارفرما همه مرزهای قانونی را عملاً درنور دیده کارمندان اداره مزبور اجباراً به برخی از کارگران حکم بازگشت به کار می دهند. گرچه در بسیاری از همین موارد نادر باز هم کارفرما کم ترین تعهدی به بازگرداندن کارگران به کار و یا اعاده حقوق قانونی آن ها ندارد، اما حتی درگیر شدن در چنین پروسه "دست و پاگیر" از زمره مسایلی است که اصلاً به مذاق بورژوازی چپاول گر حاکم خوش نمی آید.

در شرایطی که سرمایه داران در چارچوب نظام استثمارگرانه موجود با برخورداری از آزادی کامل، کارگران را هر وقت که خواستند اخراج و ماه ها حقوق آن ها را پرداخت نمی کنند، روشن است که چنین قوانین دست و پاگیری هم باید حذف شوند. برای همین هم کارفرمایان مفت خور از دولت حامی شان خواسته اند که این مشکل را به طریقی برای

شان حل نماید. لایحه ارائه شده از سوی دولت به مجلس درست در پاسخ به همین خواست و حل این موارد "دست و پا گیر" می باشد.

شکی نیست که تصویب این قوانین کارگر ستیز نشان دهنده وحشت و کابوس فزاینده گریبانگیر سرمایه داران از چشم انداز تداوم و رشد مبارزات کارگران می باشد. اما تجربه زندگی ثابت نموده که گرچه تصویب روزافزون قوانین ضدکارگری جزئی از وظایف ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی برای پاسخ به نیازهای نظام بورژوازی وابسته به امپریالیسم حاکم بوده و می باشد و گرچه تصویب این قوانین بندهای بیشتری را به دست و پای کارگران می بندد، اما حتی اجرای این قوانین یادآور شرایط دوران برده داری نیز قادر به توقف مبارزات کارگران نخواهد بود. مبارزات طبقه کارگر ایران با سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی یکی از عوامل مهمی است که در بطن خود شرایط واقعیت یافتن یک انقلاب اجتماعی را مهیا ساخته و دیر یا زود بساط ظلم و بیداد حاکم را به گورستان تاریخ خواهد سپرد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۳۲ ، شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۵